

روزنامه‌نگاری آلمانی که از قلمرو تروریست‌ها زنده بازگشت:

اشتیاق کشتن در بین داعشی‌ها غیر قابل تصور بود

مترجم: رها معتمدی



از ترس بمب‌های آمریکا پنهان می‌شدند، یکی از دشوارترین شرایط در موصل به وجود آمد؛ زمانی‌که هواییماها برخی از افرادی که همراه ما بودند را شناسایی کردند و بمب‌ها سرازیر شد. زمانی‌که از موصل به «رقه» بازگشتیم، خیلی اوقات ناخوشایندی بود. ما سه‌روز آنجا بودیم و با دوزخ تاخیر بازگشتیم اما دیدم آپارتمان ما توسط موشک‌های سوری تخریب شده است هیچ در و پنجره‌ای وجود نداشت همه‌جا پر از شیشه بود و ما اگر به‌موقع بازگشته بودیم، حتما مرده بودیم. عبور از مرز نیز بسیار ترسناک بود. چندروز قبل از حضور ما، تیراندازی‌های متعددی شده بود و ما باید هزارمتر را همراه با وسایل‌مان با سرعت می‌دویدیم تا زنده می‌ماندیم. دودین، آن هم هزارمتر زمانی که برای زنده‌ماندن می جنگی و افراد مسلح نیز حضور دارند، خیلی طولانی است.

البته از همان ابتدای دیدار با جنگجویان داعش نگران بودیم و مذاکرات بسیار سخت بود. من بارها صدای قرآن را شنیدم و همواره از ارزش‌های رحمت و مهربانی در اسلام سوال می‌پرسیدم. من در رفتار آنان هیچ مهربانی‌ای را مشاهده و درک نمی‌کردم چرا آنان به این اندازه در برنامه‌های پاکسازی مذهبی‌شان و کشتن افراد غیرمعتقد مقرر بودند. آنان همچنین دموکرات‌ها را می‌کشتند چراکه بر این باورند تحت قانون الهی، قوانین حقوق بشر را اجرا می‌کنند.

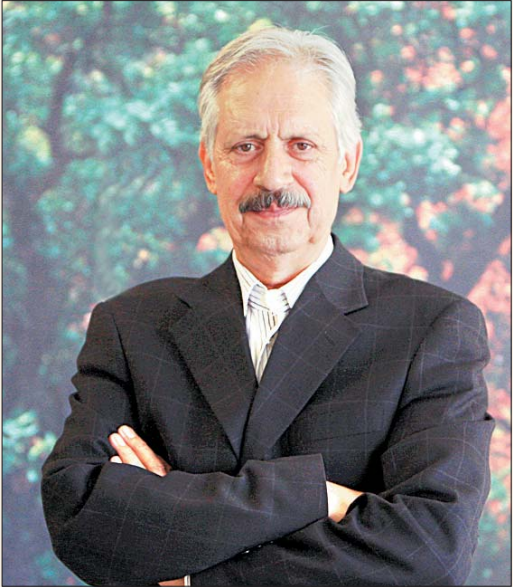
مذاکرات سختی پیش‌رو بود به‌ویژه زمانی که از آنان می‌پرسیدیم تاکنون چند نفر را کشته‌اند. آنان از صدهامیلیون نفر سخن می‌گفتند و بسیار مشتاق بودند و من این مسایل را درک نمی‌کردم.

ﻻ وقتی از بغداد بازگشتید چه تصویری داشتید؟

علی بیگدلی در گفت‌وگو با «شرق»:

سیاه‌پوستان هیچ‌گاه برابری را تجربه نمی‌کنند

سعید شمس



کمبود نیروی کار را به‌صورت جدی درک کردند و تصمیم گرفتند زنان را هم با همان شکل به استخدام خود درآورند که در نتیجه، تولیدمثل جمعیت سیاهان آفریقا افزایش یافت. شرایط طوری بود که به سیاه‌ها اجازه مشارکت در کارهای جدی داده نمی‌شد و فعالیت‌شان بیشتر خدماتی و دامداری بود.

ﻻ قانون لغو برده‌داری در چه شرایطی به تصویب رسید؟

در سال۱۸۶۰ بعد از جنگ‌های داخلی برده‌داری که در زمان «آبراهام لینکلن» رئیس‌جمهوری وقت آمریکا به وجود آمد، طبق الحاقیه‌ای به قانون‌اساسی، برده‌داری ممنوع شد. اما آثار آن همچنان باقی بود، به‌طوری‌که حتی برای کشته‌شدن سیاه‌پوستان توسط سفیدپوستان جریمه آنچنانی در نظر گرفته نمی‌شد و فقط وظایف‌های آنان پرداخت می‌شد و هیچ حکم دیگری صادر نمی‌شد. تا اینکه «مارتین لوترکینگ» هدایت اولین قیام مدنی سیاه‌پوستان را برعهده گرفت که اقدامش تبدیل به جنبش سراسری در آمریکا شد. در اثر این تحركات جنبش، الحاقیه‌ای به قانون‌اساسی اضافه شد که براساس آن سیاه‌ها و سفیدها در همه قوانین برابری پیدا کردند. البته مخالفان جنبش سیاه‌ها در واکنش به حرکتی که انجام شده بود، لوترکینگ را کشتند. اما با مرگ او هیچ چیز تمام نشد و با گذشت بیش از یک‌قرن و نیم همچنان مخالفت با تبعیض نژادی در دنیا یکی از مخالفت‌های اصلی به شمار می‌رود.

ﻻ ذهنیتی به این مساله رای می‌دهد که تبعیض نژادی «پرستش» کشورها را خنده‌دار می‌کند.

دقیقا همین‌طور است. به‌عنوان مثال اتفاقی‌که دوماه پیش در ایالات‌متحده افتاد و در آن سیاه‌پوستی توسط شهروند سفیدپوست کشته

شد، شدیداً به وجهه سیاسی و اجتماعی آمریکا ضربه وارد کرد طوری‌که جمهوریخواهان تلاش داشتند از این مساله سوءاستفاده کنند. اما سخنرانی و اعلام موضع اوپاما به‌عنوان اولین رئیس‌جمهوری رنگین‌پوست آمریکا به گونه‌ای بود که تلاش آنها را خنثی کرد. او از سیاه‌ها خواست در آرامش، حرکت‌های اعتراضی خود را ادامه دهند.

ﻻ تبعیض نژادی با دنیای کنونی همخوان نیست. علت چیست که همچنان بین سیاه‌ها و سفیدها فرق گذاشته می‌شود؟
تحت هیچ شرایطی نمی‌توان تصور کرد که سیاه‌ها به اندازه سفیدها جدی گرفته شوند. به‌عنوان مثال با وجود کاخ‌سفیدنشینی یک سیاه، هنوز هم در آمریکا سیاه‌پوستان به مشاغل خدماتی مشغول هستند و کارهای مهم از آنها سلب می‌شود.

ﻻ جنبش لوترکینگ هنوز زنده است؟
بله. درواقع باید گفت تحركاتی که در قبال نادیده‌گرفتن سیاه‌ها انجام می‌شود، همه‌شان به هم ربط دارند. البته در مقاطع مختلف شدت و ضعف داشتند. به‌طور مشخص جنبش لوترکینگ باعث شد سیاه‌پوستان بتوانند به ارتش و قضاوت ورود کنند. اما هنوز در جامعه آمریکا دوری‌جستن از آنها «ارزش» است که این پدیده در شمال این کشور بیشتر مشهود است و به همین دلیل سیاه‌پوستان ترجیح‌شان این است که ساکن جنوب آمریکا شوند.

ﻻ و این یعنی عدم تحقق آرزوی لوترکینگ؟
او خودش هم می‌دانست همه خواسته‌هایش محقق نمی‌شوند. اما جنبشی که توسط لوترکینگ به راه افتاد، باعث شد سیاه‌پوستان بدانند که می‌توانند برای برادرشته‌شدن موانع تلاش کنند. البته آنها بر این مساله اشراف داشتند و دارند که هیچ‌وقت با سفیدپوست‌ها برابر نمی‌شوند. **ﻻ جنبش لوترکینگ چه شایهت‌هایی با حرکت گاندی و ماندلا داشت؟**
ماندلا تلاشش را انجام می‌داد تا به هدف مهمی به‌نام «استقلال» برسد و در کنار این مساله تبعیض‌نژادی را هم دنبال می‌کرد. به این دلیل که در آفریقای جنوبی سیاه‌پوستان خیلی تحقیر می‌شدند، او به این مساله توجه داشت و توانست موفق شود تا انگلیسی‌ها به‌طور عملی تبعیض نژادی را بردارند. درباره گاندی هم باید اشاره کرد که این چهره شیر و تاثیرگذار هندی در زمانی فعالیت می‌کرد که تبعیض نژادی چندانی در کشور نبود. اما با تحصیل در رشته حقوق تلاش کرد تا در کنار استقلال‌طلبی، معذور رفتارهای نژادپرستی را اصلاح کند که در این امر موفق ظاهر شد.

ﻻ کاخ‌سفیدنشین‌شدن یک سیاه‌پوست شرایط را برای سیاه‌پوستان تغییر داده است؟

وقتی در سال۲۰۰۷ اوپاما در انتخابات به برتری رسید و به‌عنوان رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده انتخاب شد، عده‌ای از سفیدپوستان اعتراض کرده و می‌گفتند که «کاخ‌سفید جای سیاه‌ها نیست» اما به‌رحال رای مردم باعث شد تا این اتفاق بیفتد. اما اینکه «این اتفاق» چقدر در احقاق حقوق سیاه‌پوستان موثر بود، باید گفت تاثیر چندانی نداشت.

ﻻ و حرف آخر؟

سیاه‌پوستان هیچ‌فرقی با سفیدپوستان ندارند. اما هیچ‌گاه به حقوقی برابر با آنها نمی‌رسند.

جهان

نگاه

اوپامادر لاک دفاعی

کنگره آمریکا با چهره جدید کار خود را آغاز کرد؛ چهره جدیدی که در آن صدای جمهوریخواهانش قوی‌تر از پیش به گوش دولت خواهد رسید. بی‌شک می‌توان یکی از وظایف کنگره آینده را هموارکردن راه برای رییس‌جمهور آینده دانست؛ رییس‌جمهوری از جنس و از دل اکثریت مجلس نمایندگان و سنا.

هرچند این روند می‌تواند و شاید بهتر است که با رفع نواقص و کاستی‌های دولت فعلی یعنی کابینه «باراک اوپاما» همراه باشد تا کاخ سفید بتواند مشروعیت سیاسی خود را بازابد. «میچ‌کانل»، رهبر حزب اقلیت سنا و سناتور جمهوریخواه ایالت «کنتاکی» می‌گوید: «کارآمدی کنگره کنونی بستگی به رییس‌جمهور اوپاما دارد زیرا همکاری با یکدیگر نیاز به اعتماد دارد. رییس‌جمهور اوپاما موظف به کمک به ایجاد این اطمینان است.» او در یادداشتی می‌نویسد که ناتوانی دولت در تحقق اکثر وظایف اصلی‌اش موجب کاهش اعتماد مردم به دولت شده و نظرسنجی‌ها مکرراً این موضوع را نشان داده‌اند. و بدتر از همه اینکه در سراسر کشور این حس ایجاد شده که آمریکا در حال نزول و سقوط است. «با این حال باراک اوپامای دموکرات تقریباً امکان تصویب هرگونه لایحه را در کنگره از دست داده است و باید در روزهای باقی‌مانده دوران ریاست‌جمهوری‌اش تنها به امید حق وتو خود عملاً در مواجهه با رقبای وارد لاک دفاعی شود؛ موضوعی که در نهایت عواقب آن در مشکلات پیش‌روی دولتش در مواجهه با نمایندگان جمهوریخواه در کنگره بروز می‌کند.

برابراین می‌توان گفت که جدی‌ترین چالش‌های اوپاما که در نوع خود کم‌نظیر بوده، عدم تفاهم با جمهوریخواهان بر سر مسایل عمده‌ای چون مالیات، طرح بهداشت، کسری بودجه و بعضاً تصمیمات خارجی است. برخی مشاوران، مذاکره و رسیدن به تفاهم را به عنوان تنها راه‌حل مطرح می‌کنند. برخی نیز می‌گویند که اوپاما در دوران باقی‌مانده ریاستش در کاخ سفید مجبور به تعامل و تن‌سپردن به اصول حزبی و مبانی سنتی حزب رقیب یعنی جمهوریخواه است؛ چراکه رای‌دهندگان آمریکایی در انتخابات میان‌دوره‌ای به «آسوشیتدپرس» گفته‌اند که اقتصاد همچنان مهم‌ترین موضوع است و جمهوریخواهان نانشته‌اند خود را به عنوان حزبی قابل‌اعتمادتر برای حل این مساله نشان دهند.

اکنون جمهوریخواهان به‌خوبی می‌دانند که عصای آنها در جادوی افکار عمومی جامعه، تنها فراهم‌آوردن ابزار کسب اقتصاد و در مرحله دوم امنیت است؛ به‌طوری‌که «تد کرو» سناتور جمهوریخواه ایالت «تگزاس» در این‌باره می‌گوید: «جمهوریخواهان باید کنترل کامل کنگره بعد از انتخابات میان‌دوره‌ای را به عهده گیرند. اعضای این حزب باید تمرکز خود را بر بهبود شرایط اقتصادی و اولویت‌دادن به پروژه‌های اقتصادی قرار دهند؛ این تنها راه برای رسیدن به کاخ سفید است.»



یادداشت

دور دوم بازی فلسطین در شورای امنیت

اردشیر زارعی‌قنوتانی

ارابه قطعه‌نامه پیشنهادی کشورهای عربی و دولت خودگردان فلسطین در روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱۴ توسط اردن، با هشت رای مثبت، پنج رای‌ممتنع و دو رای منفی در شورای امنیت سازمان‌ملل‌متحد نتوانست از سد قانونی ۹رای مثبت بگذرد. کشورهای دارای حق وتوی روسیه، چین و فرانسه، در کنار اعضای غیردایم آرژانتین، شیلی، اردن، لوکزامبورگ و چاد به این قطعه‌نامه رای مثبت دادند و در مقابل، آمریکا و استرالیا با رای منفی و بریتانیا، لیتوانی، رواندا، کره‌جنوبی و نیجریه با رای‌ممتنع خود موجب شکست قطعه‌نامه پیشنهادی شدند. هرچند از قبل نیز دولت آمریکا به صراحت اعلان کرده بود که حتی درصورت کسب ۹رای لازم برای تصویب این قطعه‌نامه، آن را وتو می‌کنند اما به‌دلیل تغییر موضع نیجریه در آخرین دقایق مانده به رای‌گیری، واشنگتن از یک محصه سیاسی – اعتباری برای استفاده از حق وتوی خود فارغ شد. خوش‌باوری اعراب و تشکیلات خودگردان برخلاف توصیه کارشناسان و تحلیلگران منطقی و مستقل برای به‌تعویق‌انداختن چندروزه موضوع برای ورود پنج عضو جدید غیردایم به شورای‌امنیت که اکثر حامی استقلال فلسطین هستند، بار دیگر این نکته مهم را اثبات کرد که در مجامع حقوقی و نهادهای بین‌المللی، هرگز نباید دستیابی به هدف را به قضاوقدر محول کرد. شاید مورد نیجریه و تغییر موضع این کشور در آخرین دقایق جلسه در جای خود مستلزم یک آسیب‌شناسی عینی در محیط بین‌المللی و فضای سیاسی جاری باشد چراکه کسب منافع دولت‌ها از طریق سیاسی رقم می‌خورد.

از روز اول ژانویه کشورهای آنگولا، مالزی، نیوزیلند، ونزوئلا و اسپانیا در شورای امنیت، جانشین کره‌جنوبی، استرالیا، رواندا، آرژانتین و لوکزامبورگ شده‌اند که براساس ترکیب اعضای جدید، نسبت به اعضای حذف‌شده، یک چریش محسوس به‌نفع فلسطینی‌ها دیده می‌شود. از آنجا که هم‌اکنون کسب ۹رای موافق در شورای امنیت برای قطعه‌نامه پیشنهادی فلسطینی‌ها در دسترس قرار دارد بار دیگر تشکیلات خودگردان فلسطینی قرار است این قطعه‌نامه را به رای اعضای شورای امنیت بگذارد. هرچند طبق مکانیسم شورای امنیت این‌بار ظاهراً فلسطینی‌ها می‌توانند از سد ۹رای قانونی عبور کنند اما همچنان سد بزرگتر وتوی قطعه‌نامه از سوی آمریکا وجود دارد و به یقین، واشنگتن مجبور به استفاده از این اهرم بازدارنده خواهد شد. در چنین شرایطی حداقل به لحاظ سیاسی و اخلاقی، فلسطینیان می‌توانند انتظار یک پیروزی دیپلماتیک را درخصوص حمایت اکثریت از تشکیل دولت مستقل فلسطین داشته باشند.

هرچند شکست فلسطینیان و حامیان آنان در دور اول رای‌گیری در شورای امنیت برای اعتبار آنان تاسف‌آور بود اما همین ناکامی موجب شد تا تشکیلات خودگردان فلسطین و«محمود عباس» رییس آن با عبور از محافظه‌کاری کنونی به دنبال استفاده مناسب‌تر از مکانیسم‌های قانونی در چارچوب حقوق بین‌المللی تشویق شوند. درخواست عضویت فلسطین در دادگاه بین‌المللی کیفری و همچنین ۱۶اکنون‌انسیون بین‌المللی توسط محمود عباس



و ارایه رسمی آن در روز دوم ژانویه توس«ریاض‌منصور» نماینده هیات فلسطینی به سازمان‌ملل‌متحد از تبعات رویکرد جدید تشکیلات خودگردان نسبت به وضعیت جدیدی است که در آن، هیچ امیدی به ادامه مذاکرات صلح در چارچوب مذاکره با دولت راست‌گرای«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل وجود ندارد. عکس‌العمل‌های عصبی و تلافی‌جویانه از سوی دولت نتانیاهو درخصوص عضویت فلسطین در دادگاه بین‌المللی کیفری و ممانعت از انتقال بودجه دولت فلسطینی که بالغ بر حدود ۱۲۵میلیون دلار می‌شود هرچند به تشکیلات خودگردان، فشارهای مالی وارد می‌کند اما مطمئناً خشم جامعه‌جهانی را به همراه خواهد داشت.

فلسطینی‌ها طبق تجربه تاریخی چیزی برای از دست‌دادن ندارند و به همین دلیل باید فارغ از هر فشاری، از تمامی امکانات در دست خود به‌لحاظ دیپلماتیک، بیشترین استفاده ممکن را برند. تهدیدات نتانیاهو و دولت افراطی او بیش از آنچه ناشی از قدرت و «مشروعیت اقدام» باشد موقعیت بازیگر شکست‌خورده‌ای را نمایندگی می‌کند که سعی دارد بازی را به هم بزند. نتانیاهو در شرایط کنونی بیش از هرچیز نگاه به انتخابات «کنست» در ماه‌مارس دارد و به همین دلیل اگر در دور دوم ارایه قطعه‌نامه پیشنهادی فلسطینی‌ها به شورای امنیت، یک موفقیت سیاسی و حتی سمبولیک برای طرف فلسطینی حاصل شود، می‌تواند موجب بزرگ‌ترین ضربه به او محسوب شود. از آنجا که تا قبل از انتخابات، نمایندگی جناح راست و جلب نظر بنیادگرایان یهودی در دستور کار نتانیاهو قرار دارد، او از هرگونه حرکت درست و منطقی در چارچوب یک روند دیپلماتیک در مقابل اقدامات فلسطینی‌ها عاجز خواهد بود و این بهترین موقع برای ارتقای جایگاه حقوقی و قانونی دولت فلسطینی در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. جامعه فلسطینی در چنین شرایطی باید به شدت مراقب ماجراجویی و احتمال بحران سازی‌های امنیتی توسط دولت نتانیاهو باشد و تمام نیروی خود را صرف اقدامات دیپلماتیک کند و در تله «بی‌بی» برای تشدید منازعات نظامی – امنیتی نیفتد. ادامه فشار دیپلماتیک و زیرضرب قراردادن نتانیاهو در مجامع معتبر جهانی در شرایطی که خاورمیانه روزهای حساسی را می‌گذراند و پرونده هسته‌ای ایران نیز به نقطه حساس تصمیم‌گیری رسیده است می‌تواند از میزان تاثیرگذاری دولت او در ژئوپلیتیک منطقه‌ای به شدت بکاهد. همچنین درگیری بین دولت‌های محافظه‌کار عرب و دولت نتانیاهو در شورای امنیت و مجامع جهانی می‌تواند از اتحاد و همسویی نامیوم جدید بین آنان در زمینه بحران‌های خاورمیانه، از جمله در سوریه، عراق، لبنان و مذاکرات هسته‌ای ایران جلوگیری کند.